



## بررسی تاثیر خانه‌ها با الگوهای معماری ایرانی اسلامی بر ایجاد آرامش

سمیه آربین

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد معماری

Hm.ariyan@yahoo.com

مریم فرج پور

مدرس دانشگاه آزاد رودهن

Maryam\_farajpoor@yahoo.com

علی قمری

مدیر عامل شرکت مهندسی عرصه

a.ghamari6004@gmail.com

### چکیده

آنچه معماری خانه‌های مسلمان نشین را از سایر معماری خانه‌های مسکونی جهان جدا می‌کند، احترام به انسان و فضا در تعریف مفهومی خاص از خانه برای بیان مفهوم سکونت می‌باشد. احترام به انسان و فضا همان مسئله‌ای است که در معماری خانه‌های ایرانی گذشته به آن توجه شده به صورتی که خانه‌های ایرانی گذشته را مورد حیرت و شگفتی روح انسانی قرار می‌دهد. اکنون این سوال پیش می‌آید؛ چگونه می‌توان خانه‌ای را با معماری اسلامی ایرانی طراحی کرد که آرامش ساکنان آن را فراهم کند؟ چگونه می‌توان معماری خانه‌های اسلامی را با معماری خانه‌های ایرانی پیوند زد؟ از این جهت نخست به مفهوم سکونت و جایگاه آن در معماری اسلامی، چگونگی آرامش خانه‌های ایرانی پرداخته شده و سپس اصول معماری اسلامی و چگونگی نمود آن‌ها در معماری مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله بعد با توجه به اصول معماری اسلامی، به شاخص‌های معماری اسلامی و مبانی نظری معماری خانه‌های ایرانی اسلامی پرداخته شده است. معماری اسلامی بر معماری ایران تاثیر بسیاری نهاده، اما با این وجود معماری ایرانی ویژگی‌های خاص خود را داراست. شناخت ویژگی‌های معماری اسلامی و ایرانی و تاثیرگذاری آن‌ها بر چگونگی طراحی خانه از جمله مواردی هستند که ضرورت انجام تحقیق را افزایش می‌دهند. هدف اصلی تحقیق، شناخت ویژگی‌های معماری اسلامی و معماری ایرانی است، در پی دستیابی به نتیجه‌ای کارآمد؛ جهت رسیدن به الگویی برای طراحی خانه‌های اسلامی ایرانی که دارای آرامش باشد. هدف دیگر، تعیین ارتباط بین معماری اسلامی و معماری خانه‌های ایرانی است. این مقاله با تکیه بر بررسی کیفی، تحلیلی و بهره‌گیری از تحقیق کتابخانه‌ای انجام شده است. جهت نتیجه‌گیری از تجزیه و تحلیل و مقایسه داده‌های تحقیق استفاده شده است. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به این نتیجه خواهیم رسید که معماری اسلامی و معماری خانه‌های ایرانی بسیار به هم نزدیک بوده و پس از ورود اسلام به ایران، این دو معماری به دلیل نزدیک بودن اهداف در طراحی خانه، توانستند با هم ارتباط مناسبی برقرار کنند، به طوری که پس از تلفیق آن‌ها با هم، خانه‌های خلق شده در عین زیبایی، مکانی برای آرامش انسان شوند. از این جهت می‌توان از معماری ایرانی اسلامی به عنوان الگویی کاربردی، در طراحی خانه‌ها استفاده کرد تا بتوان به آرامش درون خانه دست یافت.

واژگان کلیدی: خانه، معماری اسلامی، معماری ایرانی، آرامش



## مقدمه

مسکن یعنی جایی که انسان سکونت دارد. سکونت پیش شرط لازم در تبدیل یک فضا به خانه است. شناخت ارزش‌های سکونت همان پناه جستن در ضمیر ناخود آگاه است. مسکن یکی از مهمترین عوامل زندگی بشری است که بیش از نیمی از زندگی انسان در آن می‌گذرد، همواره مفهوم اصلی خود یعنی فراهم کردن شرایط آرامش و آسایش برای افراد خانواده را به خوبی فراهم نموده است. آنچه معماری خانه‌های مسلمان نشین را از سایر معماری خانه‌های مسکونی جهان جدا می‌کند، احترام به انسان و فضا در تعریف مفهومی خاص از خانه برای بیان مفهوم سکونت می‌باشد. احترام به انسان و فضا همان مسئله‌ای است که معماری خانه‌های ایرانی گذشته را مورد حیرت و شگفتی روح انسانی قرار می‌دهد. آیا امروزه معماری با چنین ویژگی یافت می‌شود؟

اکنون این سوال پیش می‌آید؛ چگونه می‌توان خانه‌ای را با معماری اسلامی ایرانی طراحی کرد که آرامش ساکنان آن را فراهم کند؟ چگونه می‌توان معماری خانه‌های اسلامی را با معماری خانه‌های ایرانی پیوند زد؟ معماری اسلامی از اهمیت خاصی در میان مسلمانان برخوردار است. تاثیر جهت گیری قبله بر نحوه طراحی و ایجاد فضاهای مختلف، این شیوه معماری را از سایر شیوه‌های معماری متمایز می‌کند. معماری اسلامی بر معماری ایران تاثیر بسیاری نهاده، اما با این وجود معماری ایرانی ویژگی‌های خاص خود را داراست. شناخت ویژگی‌های معماری اسلامی و ایرانی و تاثیرگذاری آن‌ها بر چگونگی طراحی خانه از جمله مواردی هستند که ضرورت انجام تحقیق را افزایش می‌دهند.

به نظر می‌رسد شاخصه‌های معماری اسلامی بر سازماندهی فضایی خانه‌های ایرانی موثر بوده است. همچنین به نظر می‌رسد پلان خانه‌های ایرانی از معماری اسلامی، در جهت رسیدن به آرامش تاثیر گرفته است.

هدف اصلی تحقیق، شناخت ویژگی‌های معماری اسلامی و معماری ایرانی است، در پی دستیابی به نتیجه‌ای کارآمد؛ جهت رسیدن به الگویی برای طراحی خانه‌های اسلامی ایرانی که دارای آرامش باشد. هدف دیگر، تعیین ارتباط بین معماری اسلامی و معماری خانه‌های ایرانی است.

این مقاله با تکیه بر بررسی کیفی، تحلیلی و بهره‌گیری از تحقیق کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری شامل خانه‌های معماری اسلامی و معماری ایرانی پس از اسلام می‌باشد. جهت نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل و مقایسه داده‌های تحقیق استفاده شده است.

## ادبیات و پیشینه تحقیق

هر آنچه در آسمان و زمین است به تسبیح خداوند مشغول است، می‌توان گفت یکی از مهمترین وظایف انسان در ایجاد محیط زندگی خویش آن است که عناصر و فضاهای معماری را آنگونه به نمایش گذارد که این تسبیح را به ناظر القا نماید. از میان آفرینش‌های انسان، معماری حیاتی‌ترین و جامع‌ترین هنر است و بنابراین در هنرها موقعیت محوری دارد. معماری نمایش دهنده‌ی گوناگونی ابزارها و تعدد حالات رسیدن به وحدت است. (اردلان و بختیار، 1390)

وقتی که صحبت از کلمه اسلامی به میان می‌آید، در مقابل آن، کلمه غیر اسلامی هم وجود دارد. لذا این سؤال مطرح می‌شود: معماری اسلامی چیست؟ چه چیزی باعث اسلامی شدن یک اثر معماری می‌شود؟ این‌که می‌گوییم معماری رنگ و بوی اسلامی پیدا کند، یعنی چه؟ چون اسلام جهان شمول است و برای همه ملل ظهور نموده، چنین به نظر می‌رسد که در مرحله نخست، معماران باید ساختمانی بسازند که در آن سه نکته اساسی در نظر باشد؛ اول، توجه به عملکرد صحیح بنا؛ چرا که



ساخت و ساز بنا برای تفنن نیست. آنچه لازم است باید ساخته شود و این ملازمت توجه دقیق به عملکرد درست بنا است؛ دوم، باید بدانند در کجا و در چه مکانی می‌سازند. توجه به پارامتر زمانی و مکانی، لازمه انجام کار درست است. سوم، اینکه در اجرای این اثر، یک پیام فرهنگی هم داشته باشد؛ چرا که هدف اسلام ایجاد محیطی برای تکامل انسان است که بتواند به سوی کمال صعود کند. یک معمار مسلمان می‌داند خداوند متعال صاحب جلال و اکرام بوده و در عین حال جمیل است و جمال را دوست دارد. همچنین اعتقاد دارد هدف از زندگی دنیوی، رجعت به سوی خداوند و رسیدن به کمال است. پس اثر معماری خود را بر سه پایه جمال، جلال و کمال بنا و استوار می‌کند. آنچه در نقوش و تزئین بنای اسلامی جلوه‌گر است، جمال خوانده می‌شود و به آنچه به ابعاد و کشش سطوح و به کمپوزیسیون احجام توجه دارد، جلال اطلاق می‌شود. همچنین اگر این شیوه از معماری در جهت محتوای معنوی و تلفیق با مبانی اسلامی و در قالب کبریایی باشد، به آن کمال گویند. بدیهی است با وجود جمال و جلال، کمال هم به وجود می‌آید. به قول غزالی، ساختمان زیبا جمال باطن سازنده آن را هویدا می‌سازد و نماینده معنوی و معرفت حق است. (دهشیدی، 1391)

وقتی صحبت از معماری ایرانی به میان می‌آید، فرهنگ غنی و آداب و رسوم ایرانیان مورد بحث قرار می‌گیرد. شناخت شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان، لازمه شناخت و درک فضاها و مکان‌های ایرانی است، و آگاهی از آداب و رسوم خاص ایرانیان موجب شناخت و فرآیند پیدایش جزییات معماری ایرانی است. آن هنگام است که می‌توان فهمید؛ چگونه خانه‌های ایرانی نوازشگر روح انسان‌اند؟ چگونه خانه‌های ایرانی پس از گذار از چند دوره زمانی، هنوز ویژگی‌های خود را بر ناظر نمایان می‌کند؟ و آیا امروزه می‌توان با بهره‌گیری الگوی معماری ایرانی، چنین معماری خلق کرد؟ اسلام هر جا نوع معماری را که پیشرو وجود داشته، جذب کرده، در سرزمین بوزنطه یا در ایران و هند، به اشکال معماری موجود، صراحت و دقت هندسی بخشیده و بدین طریق آنها را توسعه داده‌است، و نتایج ظریف و زیبایی که در این مورد به دست آورده، در تایید خصلت کیفی و نه کمی یا مکانیکی آن صراحت و دقت هندسی است. (بورکهارت، 1389، 137 تا 138)

معماری اسلامی: ابداع و بسط اصول اسلامی برای بیان وحدت به وسیله‌ی سازمان‌دهی کمی و کیفی فضا و شکل در سکونتگاه‌های انسانی سه دستگاه مشهود برای ایجاد نظم فرض کرده‌است: طبیعی، هندسی و موزون (هارمونیک). هر دستگاه به بقیه وابسته است، اما مانع پیشرفت هیچ کدام از دستگاه‌ها با گذشت زمان نمی‌شود. حتی امروز می‌توان یک به یکشان را تمیز داد. نظم طبیعی به وسیله‌ی آنها که نزدیکترین فاصله را با طبیعت دارند گسترش یافته است. نظم هندسی با نظام باستانی‌ترین شهرهای انسان به صورت وحدتی درون وحدت ارتباط دارد. نظم موزون درون وحدت تکثر به وجود می‌آورد: اشکالی هندسی که با الگوهای طبیعی به هم متصل‌اند درون چارچوب هندسه‌ای فراآگاهانه. (اردلان و بختیار، 1390)

### یافته‌های تحقیق

برای مسلمان، هنر به میزانی که زیباست، بدون داشتن نشانی از الهام ذهنی و فردی، فقط دلیل و گواهی بر وجود خداست؛ زیبایی‌ش باید غیر شخصی باشد همانند آسمان پرستاره. در واقع هنر اسلامی به نوعی کمال می‌رسد که گویی از صانعش مستقل است؛ افتخارات و نقائصش در برابر خصلت کلی اشکال محو می‌گردند. (بورکهارت، 1389، 137)

### اصول معماری اسلامی و نمود آن‌ها در معماری



با توجه به جمع جهات و توجه به آنچه تاکنون بر معماری اسلامی گذشته و آنچه که شارع بدان نظر دارد، می‌توان این نوع معماری را با اعمال هفت اصل تبیین شده ذیل به وجود آورد. این اصول در همه جا به صورت کم و زیاد اعمال شده، به طوری که اعمال این اصول ضمن نگرش به هنر مردمان سرزمین‌های اسلامی، مکتب‌های رایج پنج گانه متداول دنیای اسلام را به وجود آورده و به صورت محدودتری شیوه‌های معماری را در هر ناحیه‌ای معمول داشته‌اند. این اصول عبارتند از: توحید، اخلاص، علم، حیا و حجاب، عبادت و احترام، اقتصاد و ذکر.

توحید: یکی گفتن به زبان، یکی دانستن، یکی دیدن، یکی شدن وجود خدا؛ یعنی کمال هنر. اعتقاد به خدای واحد و مورد پرستش همه ملل، این یگانگی را به وجود آورده که در مجموعه شهرهای اسلامی دنیا و در همه جا این وحدت دیده می‌شود؛ در شهرهای اسلامی به لحاظ داشتن نشانه‌های اسلامی نظیر مساجد، اماکن مقدسه و مذهبی، بازارها، میادین و در بین مردم، به کارگیری زبان عربی به مثابه زبان اول و یا زبان دوم و کتابت آن در همه نقاط. این وحدت ناشی از یک فرهنگ و نشأت گرفته از یک کتاب آسمانی است و این فرهنگ، خصوصاً در معماری مؤثر بوده است؛ مثل رعایت جهت قبله یعنی در یک شهر اسلامی، وحدت سمت و سو را به وجود می‌آورد. یکی بودن در مبانی معماری در هنر اسلامی، وجود خدای یگانه و کتاب آسمانی‌اش که در جای جای این کتاب حکمت، وحدت را بیان نموده است. حکمت یعنی بیان اسرار هارمونی. خلاقیت یعنی کشف هارمونی‌ها، کشف تناسبات در یک اثر هنری. بنابراین نبود تناسبات و هارمونی یعنی عدم خلاقیت. نظام عالم از واحد به کثیر و از کثیر به واحد است. عوامل وحدت بخشی از کثرت، شناخت تقارن، توازن، تعادل، تناسب و ... هستند. این عوامل و این هارمونی‌ها رد پای وحدت‌اند که می‌توان تحت عناوین ذیل این عوامل را دسته‌بندی نمود: تقارن: وحدت در محوریت با مرکزیت؛ تناسب: وحدت در ابعاد و اندازه‌ها؛ توازن: وحدت در هارمونی‌ها؛ تعادل: ایجاد وحدت در حجم‌ها و وزن‌ها؛ توافق: وحدت در عمل و فکر و در انتخاب عملکرد معماری؛ تطابق: ایجاد وحدت با طبیعت و ساختمان؛ تشابه: همان وحدت در شکل است؛ تجانس: وحدت در جنس و صفت است؛ تناظر: وحدت در دید است؛ تساوی: در همه چیز. شناخت و به کار بستن این هارمونی‌ها، یک اثر هنری را به هنر اسلامی، به ویژه در معماری نزدیک می‌کند. هنر معماری، خود عرصه مناسبی برای نشان دادن عوامل فوق است، زیرا معماری، خود بر اصول هندسی استوار است. به همین دلیل ایدئولوژی هنر اسلامی هندسه است که تغییر نمی‌کند، ولی در هر زمان و مکانی هنری بر این مبنا عرضه می‌شود.

اخلاص: ساختمان‌های مسکونی همه بدون پیرایه‌اند. خلوص فقط باید برای خدا باشد. باید از هر چه زشتی و پلیدی است، دور باشد. همه چیز باید زیبا باشد. در اماکن باید همه چیز پاک، بی‌پیرایه و خالص باشد. آب را که نشانه پاکی است، در جای جای بنا به کار می‌برند. نور را در همه ساختمان گردش می‌دهند. نور نشانه خلوص و پاکی است. هر چه که می‌سازند به سوی آسمان نشانه دارد و همه چیز متعلق به اوست و در نهایت اخلاص قرار دارد. همه اماکن اشاره به آسمان دارند؛ گنبدها، دور قوس‌ها، تیزی بالای درب‌ها و پنجره‌ها همه نوک تیزاند و همه به آسمان اشاره دارند. دروغ در معماری اسلامی جایی ندارد؛ حتی در بنا کردن احجام معماری، مصالحی که در آن به کار رفته، رابطه دارند. این نکته به ویژه در نیارش بنا دیده می‌شود. مصالح انتخاب شده و فرم‌های انتخابی باید خود ایستا باشند، نه اینکه با توسل به ترفندهایی این نیارش را تأمین کنند. آنچه در اجرای عملی اخلاص باشد، بالطبع زیبایی نیز به وجود خواهد آمد. زیبایی به معنای قشنگی و جمال نیست؛ بلکه معنی آن زیبایی، پذیرفتنی، دل‌خواستن، به سامان بودن و به تناسب بودن است. منبع زیبایی خدا است. زیبایی مقیاس ندارد. هنرمندان در دنیا درهم و دینار وقف نکردند، بلکه زیبایی و هارمونی و تناسبات را وقف کردند. همه علم، یعنی رعایت تناسبات؛ خلاقیت، یعنی کشف تناسبات. افلاطون با شاگردانش یک ماه در ماهیت زیبایی بحث کردند و به این نتیجه رسیدند که زیبایی یعنی تناسب داشتن باید یک چیزی از مظهر زیبایی در آن دمیده باشد. باید توجه داشت که اعداد طلایی و اعمال و رعایت آن‌ها هر چند در ایجاد زیبایی بدون تاثیر نیستند، ولی اصلاً ضامن زیبایی نبوده و باید از اعداد طلایی و خطوط ناظم نقوش و محورها استفاده شود. از طرفی باید توجه داشت که اینها در طرح‌ها محوریت و هدایت می‌بخشد. برای ایجاد زیبایی باید از سایر قواعد نظیر رعایت تقارن، تعادل، تشابه، توازن و ... در اصل توحید شرح داده است، استفاده کرد. گفته‌اند زیبایی



عصای زیبایی و داشتن تناسب و مناسبت‌ها در یک اثر اسلامی است و بایستی به سوی سادگی و بی‌پیرایه‌ای رفت و در انتخاب فرم‌ها و تزئینات متناسب و زیبنده دقت نمود.

علم در سایه دوران حکومت‌های اسلامی، به ویژه قرون چهارم و پنجم هجری پیشرفت‌های بسزا و درخشانی داشته است و مسلمانان در همه زمینه‌های علمی صاحب نظر بوده‌اند؛ چه در علم و فنون فیزیک و شیمی و ریاضیات و چه در زمینه علوم و معرفت اسلامی. لذا آن‌ها از دانسته‌های علمی و از معرفت اسلامی، یعنی از هر دو علم، استفاده کرده‌اند؛ به ویژه از هندسه که ایدئولوژی معماری است و بر مبنای آن در هر زمان و هر مکانی اثری نو ارائه می‌شود، نهایت استفاده را نموده‌اند. استفاده از ریاضیات در معماری اسلامی جزء اساسی‌ترین کار آنان است؛ چه در سطوح و احجام بنا و چه در ریزترین نقوش تزئینی نظیر گره‌ها، اسلیمی‌ها و... همه و همه در عین حال از معرفت دینی هم بهره برده و تمام این دانسته‌ها را بر در و دیوار کتابت کرده‌اند. کتیبه‌هایی را در مساجد، اماکن عمومی و حتی در خانه‌ها اجرا کرده‌اند که سازنده فرهنگ‌اند؛ به طوری که بیشترین تزئین اصلی این بناها با استفاده از این کتیبه‌هاست. ساخت و تزئین بنا، یعنی استفاده از علم و از معرفت اسلامی است؛ معرفتی ناشی از علوم الهی. هر نقشی نکته‌ای را بیان کرده و گوشه‌ای از معرفت الهی را نشان می‌دهد. چنانچه به دقت نگاه شود، کاربرد انواع خطوط، انواع اسلیمی و نقوش آن‌ها، همگی با استفاده از علم هندسه بوده و از آن نشأت می‌گیرد. به جرئت می‌توان گفت هنر اسلامی‌ای نداریم که در آن از هندسه استفاده نشده باشد. در محاسبه نیارش بناها و در تزئین آن‌ها، در خوشنویسی و کتابت و حتی در زمینه نگارگری و موسیقی نیز مسئله هندسه مطرح است. در احداث بنا، ابتدا پیش از هر چیز به پیمون بنا که در غرب به آن مدول گویند، توجه داشته‌اند. کلمه پیمون معادل مدول است که در زبان‌های خارجی مصطلح است و آن بدین معناست که با داشتن ضوابطی، حتی یک بنای معمولی روستایی در روستای دور افتاده‌ای در کرمان می‌توانست یک گنبد با دهانه 10 متر را به گونه‌ای بسازد که بزرگ‌ترین معمار در پایتخت می‌ساخته است. کاربرد پیمون با مدول خیلی فرق دارد؛ مدول همه چیز را یکنواخت می‌کند ولی پیمون از یک نواختی خارج می‌سازد. معمار وقتی با پیمون کار می‌کرد، مطمئن بود که از لحاظ طرح و تناسب و محاسبه نیارش بنا از هر لحاظ کارش را درست و صحیح انجام داده است. برای طرح ساختمان، نخست اندام‌های آن را اندازه می‌کردند. پیمون را در آن گنجانیده و با کم کردن و افزودن پیمون‌ها، اندازه دلخواه هر یک از اندام‌های ساختمان را به دست می‌آوردند و با اعمال سایر اصول معماری اسلامی، اثر زیبایی خلق می‌کردند؛ مثلاً برای پدید آوردن قرینه، از جفت و برای برهم زدن آن از متضاد این لغت، یعنی پد جفت استفاده می‌کردند. پد جفت برای از بین بردن یکنواختی بنا نظیر ساختمان‌های قبل از اسلام و جفت را برای پدید آوردن آرامش دلخواه بعد از اسلام به کار می‌گرفته‌اند. دیگر از مواردی که در ساخت و ساز معماری اسلامی بدان توجه می‌کردند، استفاده از علم ایستایی بنا یا نیارش است. نیارش که در معماری گذشته هم به کار گرفته می‌شد، به مجموعه عواملی که بنا را نگاه می‌داشته اطلاق می‌گردیده است که مجموعاً شامل استاتیک بنا، فن ساختمان و مصالح شناسی بوده است. اگر معماری در شناخت مصالح و همچنین مقاومت آن‌ها شناخت داشته باشد و به خوبی اندوخته باشد، می‌تواند کارهای مهمی را انجام دهد که امروزه با تیرآهن و بتون انجام می‌دهند. اگر کسی بخواهد علم نیارش را فرا بگیرد باید ساختمان‌های قدیمی را مطالعه و به دقت بررسی نماید. مثلاً در ابرقو گنبدی بدون اندود وجود دارد که تماماً مقاومت مصالح است، همچنین در یزد چهار گنبد مدرسه ضیائیه به همین نحو ساخته شده است. در این باره مثال‌های زیادی می‌توان ارائه نمود. که نشان می‌دهد معماران قدیم ما به خوبی از علم نیارش آگاهی داشته و استفاده می‌کردند. چنانچه بناهایی با رعایت اصول فوق ساخته شود، آن‌ها را معماری اسلامی می‌توان نامید. البته فراموش نشود معماری اسلامی با معماری مسلمان‌ها متفاوت است. تمام دنیا می‌گویند هنر اسلامی، ولی ما در آن هم افراط و هم تفریط می‌بینیم که کار بیپوده هم شده است، ولی در عین حال از نظر دنیا شاهکار هنر اسلامی شناخته شده است. این مطلب با معماری اسلامی که روح اسلامی داشته باشد متفاوت است. ضمناً لازم نیست هر ساختمانی با قوس و گنبد و مناره، معماری اسلامی باشد؛ بلکه چنانچه مطابق این هفت اصل ساخته شده باشد، شاید بتوان آن را معماری اسلامی نامید.



حیا و حجاب: اسلام برای حفظ و رعایت حجاب توصیه اکید نموده است. لذا لزوماً ساختمان‌های اسلامی هم بایستی دارای حجاب باشند. آن‌ها برای ایجاد حجاب، به ویژه ساختمان‌هایی که مصرف شخصی داشته‌اند را درون گرامی ساختند، ولی ساختمان‌های اماکن عمومی نظیر کوشک‌ها را برون گرامی کردند. برای درون‌گرایی ساختمان، اتاق‌ها را در اطراف میانسرا می‌ساختند و اگر ساختمان بزرگ‌تری می‌خواستند به دو بخش اندرونی و بیرونی طراحی و اجرا می‌نمودند؛ زیرا یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس آنان بود که این امر به گونه‌ای معماری را دورن‌گرا کرده است. فضای درون‌گرایی مانند آغوش گرم و بسته است و از هر سو رو به درون دارد؛ از در ورودی که وارد می‌شدند، ابتدا یک هشتی داشته که به دو دالان متصل بود: یکی برای بخش اندرونی و دومی برای قسمت بیرونی. چرا که بخش اندرونی در حجاب کامل باید باشد. از طرفی با ساخت پنجره‌های کوچک و با ایجاد شبکه و پنجره‌های مشبک، حجاب بیشتری به بنا می‌دادند. حتی کوبه درها متفاوت بوده که تفاوتی بین مرد و زن بودن مراجعه‌کننده مشخص باشد. ملاحظه می‌شود ساخت اندرونی و بیرونی برای رعایت کامل حجاب است. سعی می‌شد بناها اشرافی به یکدیگر نداشته باشند و حتی از بیرون طوری باشند که به یکدیگر فخر نفروشدند. مسلمان ایرانی هم مثل عرفا به درون بیشتر از بیرون توجه داشته‌اند و این مهم، خود مسئله‌ای است که جنبه مذهبی دارد. انسان باید در خانه آرامش داشته باشد. بعضی‌ها تصور می‌کنند پس از آمدن اسلام به ایران، مسئله حجاب پیش می‌آید؛ در حالی که چنین نیست. زیرا حجاب پیش از اسلام هم در ایران بوده و حجاب زرتشتی‌ها خیلی مفصل‌تر است؛ مثلاً در مورد زن‌های هخامنشی، کلمه پردگی وجود داشته که بیانگر همه چیز است. اصولاً انسان میل دارد پوشیده باشد و بیشتر این اصل از حالت شرقی بودن مردمان این مرز و بوم نشأت گرفته است. انسان در اثر رعایت حجاب، وقتی به مجموعه شهرها و ابنیه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و به حجاب اعتقاد دارند نگاه می‌کند، این اعتقاد را در خود کالبد شهر هم ملاحظه می‌نماید؛ مثلاً اگر کوچه‌های یزد و کاشان را ببینید، هر کدام از این خانه‌ها به مثابه یک انسان خودش را در حجابی پوشانده‌اند. مثل مردان که خود را در عبا و لباده و زن‌ها خودشان را در چادر می‌پوشانند. وقتی وارد بنا می‌شویم، آنگاه آن زیبایی‌ها جلوه‌گر می‌شود. اگر به شهر بزرگ‌تری مثل تهران بیاییم و در معماری آن دقت کنیم از درون خیابان به راحتی می‌توان حتی درون اتاق خواب را که از بالا به پایین شیشه است، ببینیم و حدس می‌زنیم چه نوع انسان‌هایی در اینجا زندگی می‌کنند. این معماری بی‌حجاب، انسان را بی‌حجاب می‌کند و آن معماری با حجاب یزد و کاشان، افراد دیگری را با ویژگی‌های خاص خود معرفی می‌کند. معماری غربی مثل انسان غربی یک نوع تحرک ظاهری را دارد؛ یعنی شما وقتی به یک معماری غربی می‌نگرید، می‌بینید در ظاهر متحرک است؛ یعنی شما را به حرکت بصری و بیرونی دعوت می‌کند، ولی معماری اسلامی این حرکت را در درون خود دارد. به عبارت دیگر، ما قهرمانان نشسته داریم (رستم) و مغرب زمین قهرمانان متحرک (سوپرمن). معماری اسلامی هم یک معماری قهرمانی است که حرکت هم دارد، منتها در درون. سکوت و آرامشی در بیرون دارد، ولی درونش پر از غوغاست که در بیرون انعکاسی ندارد. به هر میزانی که معمار این دریافت باطنی را پیدا می‌کند، انعکاسش در اثر معماری‌اش هم به حدی می‌رسد که انسان احساس می‌کند و مسلم است در فضای معماری حاضر شده احساس آرامش و راحتی وجود دارد. ساخت بناهای اندرونی و بیرونی رعایت خواست مردم؛ یعنی معماری مردم‌وار است. انسان به درون‌گرایی نیاز دارد و خانه باید درون‌گرا باشد.

**اقتصاد:** رعایت اقتصاد، یک اصل اسلامی است. معماری اسلامی به گونه‌ای است که در ساخت ساختمان‌ها نهایت صرفه‌جویی می‌شود. پرهیز از اسراف یعنی هر چیزی را به جای خود به کارگیرند؛ هر مصالحی را در جای مناسب خود و به حد نیاز مصرف کنند و این عین عدالت است. اینکه می‌گوییم هر چیز به جای خود، فقط در مورد مصالح مصرفی بنا نیست، بلکه این پرهیز از اسراف چه برای مصرف نوع مصالح، چه احداث فضاهای بیهوده و بعضاً از روی تفنن و چه مصرف مصالح نابجا و چه احداث ساختمان بدون توجه به عملکرد و کاربری بهینه آن و یا عدم توجه به مکان و زمان احداث بنا. به نظر می‌رسد اصل با صرفه بودن، مهم‌ترین بحث معماری اسلامی است. بعضی ابعاد این اصل عبارتند از:



**1 معماری مردم پسند:** معماری باید مقیاس انسانی داشته باشد. مثال‌های بسیاری برای مردم‌وار کردن بنا و در نهایت اسلامی کردن آن‌ها می‌توان زد که از آن جمله، کاربرد اعداد قدسی در بناهاست؛ چرا که این اعداد ارتباط مستقیم با اعتقادات مردم داشته و مورد علاقه مردم هستند. رعایت آن نیز اثر معماری را مردم پسند می‌کند. اصل مردم‌واری یعنی رعایت خواسته‌های مردم، چه عاطفی، چه مذهبی و چه اقتصادی؛ اینها جزء نیازهای اولیه مردم است، چه در باغ‌سازی، چه در ساختن مساجد و مدارس و چه در خانه و یا در هر بنایی دیگر.

**2 خودکفایی:** معماران گذشته به موضوع خودکفایی بسیار اهمیت می‌دادند و اصطلاح خود بسندگی را انتخاب می‌کردند. برای اشاعه خودبسندگی یا خود کفایی اصطلاح «بوم آورد» دارند. بوم آورد یعنی چیزی که از خود آن سرزمین حاصل شود. یک اصطلاح دیگر (ایدری) هم دارند؛ یعنی متعلق به همین جا، اینجایی.

**3 معماری پرهیز از اسراف:** لازم بود ابعاد را مطابق نیاز انتخاب کنند. اینکه تزئینات در هنر اسلامی برای چیست، باید گفت که هر عامل تزئینی در معماری اسلامی صرفاً یک عامل تزئینی نیست، بلکه یک علت مهم فنی داشته است؛ مثلاً کاشی، عایق رطوبت و حرارت است و یا اینکه در روی این کاشی نقش انداخته‌اند هم برای این بوده که بتوان آن را تعمیر کرد. زیرا عمر کاشی زیاد نیست و حدوداً ده الی پانزده سال بیشتر دوام ندارد. بدین ترتیب است که یک اثر معماری به اسلامی بودن خود نزدیک می‌شود.

**عبادت، احترام:** در شریعت اسلام هر کسی بدون واسطه انسانی می‌تواند عبادت کند. لذا در معماری اسلامی چنین به نظر می‌رسد همه ساختمان‌هایی که به واسطه نیازهای مختلف بشری ساخته می‌شود، باید فضای ساده و بی‌پیرایه و پاک همچون مسجد باشند؛ به ویژه اینکه در همه جا چه در مسجد و بازار و منزل می‌توان عبادت کرد. هر چند مسجد فضای بیشتری برای عبادت دارد، ولی منزل و مسجد عین هم هستند. محتوای معماری همه بناها و با هر کاربردی می‌تواند محتوی مسجدی هم داشته باشد. یک اثر معماری با یک محتوای عبادی، مسلم است پاکی می‌طلبد. اماکن باید طوری بنا شوند که دور از هر ناپاکی باشند. توالت‌ها خارج از محیط آلودگی‌ها و در بیرون بنای اصلی ساخته می‌شوند. آبریزگاه‌ها در گوشه‌ای از حیاط، طوری ساخته می‌شود تا با پیمودن مسافتی، تطهیر کفش فراهم شود. احترام و حفظ حرمت خانه بر ساکنان آن واجب است. برای به وجود آوردن امکان عبادت در همه اماکن، تطابق محورهای اصلی بناها در جهت قبله، جزء اساسی‌ترین نیاز جهت محورهای اصلی بناها بوده و این موضوع بحثی به نام استهلاک قبله را در معماری مطرح نموده است؛ به طوری که تأثیرات مهمی در طراحی پلان ساختمان‌ها به وجود آورده است.

**ذکر:** در بناهای اسلامی سعی شده به طور مداوم ذکر خدا باشد یا اینکه به نحوی ذکر خدا را به مردم یادآوری نماید. لذا از کتابت اسما و صفات الهی سود جست‌ه‌اند. این ذکرها بیشتر با انتخاب آگاهانه و از روی متون قرآنی و همچنین ادعیه و اوراد منقول صورت گرفته که بیشتر در بیان توحید و نبوت و در بناهای منتسب به شیعیان، بیشتر در مورد ولایت است. آن‌ها برای ذکر نام خداوند و نام اولیاء دین (چه در ظاهر و چه در باطن) آنچنان وسواس داشته‌اند که حتی در ساخت بناها هم سعی می‌کردند که مثلاً جمع تعداد اطاق با تعداد پنجره‌ها با اعداد مقدس نام آنان به حساب ابجد تطابق داشته باشد؛ نظیر مدرسه خان شیراز با 92 حجره که عددش اسم مقدس پیغمبر (ص) است و همچنین دوازده راهرو با دو رواق، جمعاً 14 مکان و با چهار مدرس که همه را جمع کنیم، می‌شود 110 به معنای علی (ع) و با چهار اطاق خادم و موزن جمعاً 114 که معادل تعداد سوره‌های قرآن می‌باشد. معماران مسلمان در این موارد آنچنان دقت داشته‌اند که سعی می‌کردند حتی‌المقدور دیوارهای اتاق‌های مسکونی در جهت قبله باشد. چرا که در همه حال و در همه جا تمام نموده‌ها باید نشانی از یک شهر اسلامی و ذکر نام الهی باشد. (دهشیدی، 91)

شاخص‌های معماری خانه‌های اسلامی

با توجه به اصول معماری اسلامی می‌توان به شاخص‌های معماری اسلامی دست یافت، که تعدادی از آن‌ها عبارتند از:

- 1 ساختن منازل در وسعت بالا (وسعت منزل نمود عیش مطلوب اسلامی): امکان تفریح و شادابی با فراخ نمودن خانه؛ راحتی در خانه که نمود راحتی مومن با وسعت منزل است؛ ایجاد سعادت دنیوی با خانه وسیع؛ پوشاندن بدی‌ها و حریم خصوصی از مردم؛ نمود بنایی معتقد به معاد با وسعت خانه؛ نمود یافتن عقلانیت در وسیع سازی 2 ایجاد حیاط (میان‌سرای) وسیع 3 طراحی خانه متناسب با اقتضائات آرامش: آرامش صوتی اتاق‌ها نسبت به هم، استفاده از رنگ‌های آرامش بخش در تزئین خانه
- 4 احداث خانه با حداکثر پوشش گری: در معرض دید نبودن فضاهای داخلی نسبت به هم (عدم ایجاد درهای روبرو)، مجزا بودن و در معرض دید نبودن آشپزخانه، در امان بودن فضاهای داخلی از دید همسایگان با روبرو نبودن درهای خانه‌ها، اشراف نداشتن به همسایه‌ها 5 طراحی و ساختن خانه به طوریکه کمترین آزار همسایگان را به دنبال داشته باشد 6 ایجاد حریم برای خانه (مقدار و رعایت آن) 7 بلند نبودن ارتفاع داخلی منازل بیش از هشت ذراع 8 تزئینات داخلی خانه 9 محل ویژه نماز و نیایش در خانه 10 تناسب اتاق‌های خانه با اصول اسلامی 11 تعبیه زنگ برای ورودی منازل 12 تعبیه محلی (سکو) برای نشستن جهت پوشیدن کفش در ورودی منازل 13 ایجاد لوازم بهداشت خانه 14 ایجاد آشپزخانه در قسمتی از بنا که بوی آشپزی مستهلک شود 15 ایجاد تهویه مناسب برای دور کردن بوی آشپزخانه از خانه‌های اطراف 16 قرار گرفتن دستشویی در مخفی‌ترین نقطه بنا 17 بیرون از فضای داخلی خانه بودن دستشویی 18 رو به قبله و پشت به قبله نبودن دستشویی 19 تعبیه سنگ و کاسه دستشویی خلاف جهت مقابله با ماه 20 دفع بوی بد فاضلاب و ... (رحیم قربانی، 1394)

#### مبانی نظری معماری ایرانی اسلامی

مبانی نظری معماری ایرانی اسلامی از دو بعد قابل بررسی است. در بعد انسانی با ویژگی‌هایی همچون؛ 1 خلوت‌گزینی و امنیت، که با استفاده از فضای محصور ایجاد می‌شود. 2 زیبایی‌شناسی و فونکسیون، که با استفاده از تناسبات و مقیاس‌های انسانی ایجاد می‌شود. 3 نقطه عطف، که متناسب با مقیاس انسانی یک بنا ایجاد می‌گردد. و در بعد فضایی با ویژگی‌هایی همچون: 1 ایستایی و پویایی فضا، که بواسطه توجه به حرکت و توقف ایجاد می‌گردد. 2 وحدت بیرون و درون، که نشان‌دهنده‌ی هویت در طراحی داخل و خارج بناست. 3 کمپوزیسیون، که از طریق وزن و ترکیب ایجاد می‌گردد. 4 ریتم فضا، که با کثرت و وحدت و تکرار مدولاسیون در طراحی به وجود آمده‌است. 5 هماهنگی فرم و عملکرد، که در بناهای ایرانی اسلامی مشاهده می‌شود. قابل تأمل است. (مریم شاهپری)

#### نتیجه‌گیری

نخست به مفهوم سکونت و جایگاه آن در معماری اسلامی، چگونگی آرامش خانه‌های ایرانی پرداخته شده و سپس اصول معماری اسلامی و چگونگی نمود آن‌ها در معماری مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله بعد با شناسایی اصول معماری اسلامی، به شاخص‌های معماری اسلامی و مبانی نظری معماری خانه‌های ایرانی اسلامی پرداخته شده است.

آنچه از مقایسه اصول معماری اسلامی و چگونگی به‌کارگیری آن در معماری و دست یافتن به شاخص‌های معماری اسلامی، با مبانی نظری معماری ایرانی اسلامی حاصل می‌شود، این است که؛ با بررسی خانه‌های قدیمی ایرانی می‌توان دریافت که؛ نتیجه همنشینی با شاخص‌های معماری خانه‌های اسلامی، توانسته خانه‌هایی به وجود آورد که پس از گذار از دوره‌ها و سبک‌های معماری سال‌های اخیر، اکنون نیز جایگاه ویژه خود را دارند و تداعی کننده آرامش خاطر و دارای حس مکان‌اند. همچنین تاثیر معماری اسلامی بر معماری خانه‌های ایرانی باعث شده؛ خانه‌های ایرانی از دید بیننده‌ای که شاید این فضاها را در هیچ زمان و





مکانی تجربه نکرده باشد، دارای جایگاه خاص شود، به طوریکه مشاهده می‌شود خانه‌های قدیمی ایرانی مرمت شده و جنبه گردشگری پیدا کرده‌اند.

معماری اسلامی ایرانی به دنبال ساختن دنیایی به وسیله‌ی هنر است که بازتاب دهنده‌ی تعادل و آرامش است. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به این نتیجه خواهیم رسید که معماری اسلامی و معماری خانه‌های ایرانی بسیار به هم نزدیک بوده و پس از ورود اسلام به ایران، این دو معماری به دلیل نزدیک بودن اهداف در طراحی خانه، توانستند با هم ارتباط مناسبی برقرار کنند به طوری که پس از تلفیق آن‌ها با هم، خانه‌های خلق شده در عین زیبایی، مکانی برای آرامش انسان شوند. از این جهت می‌توان از معماری ایرانی اسلامی به عنوان الگویی کاربردی، در طراحی خانه‌ها استفاده کرد تا بتوان به آرامش درون خانه دست یافت.

### منابع

- احمدنیا، هورخش و بشیری، نصرت الله و دیگران، 1389، مبانی طراحی خانه‌های ایرانی بعد از اسلام، گنبد کاووس، انتشار همایش منطقه‌ای خانه ایرانی
- اردلان، نادر و بختیار، لاله، 1390، حس وحدت (نقش سنت در معماری ایرانی)، ترجمه و نداد جلیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات علم معمار رویال
- بورکهارت، تیتوس، 1389، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش
- دهشیدی، رضا، 1391، 7 اصل حاکم بر معماری اسلامی، تهران، انتشار سایت معماران
- شاهپری، مریم، 1390، بررسی مفاهیم خانه در معماری ایرانی اسلامی و سنتی معاصر، تهران، انتشار سایت فرهنگی هنری آفتاب
- قربانی، رحیم، 1394، شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی (خانه، مسجد، بازار، راه و آرامگاه)، چاپ اول، تهران، انتشارات شبکه اندیشه
- قربانی، رحیم، 1393، معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی (بر فقه کاربردی و تمدنی، مسکن مطلوب اسلامی)، چاپ اول، تهران، انتشارات شبکه اندیشه